

نقش تربیتی معلم در اسناد بالادستی و نظریه های تربیتی

چکیده

این مقاله باهدف شناسایی نقش تربیتی معلم در نظام آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین و بر اساس نظریه های تربیتی مطرح شده توسط صاحب نظرانی چون پیائزه، رابرت سیرز، اریکسون، فروید و... که به چگونگی عملکرد معلم پرداخته اند، گردآوری شده است. در این پژوهش کوشش شده تا نقش تربیتی معلم به گونه ای تبیین شود تا خواننده دریابد که شاخص ترین و ممتازترین مؤلفه تعلیم و تربیت، معلم است که بنیانی برای رویارویی با چالش های حال و آینده تعلیم و تربیت به شمار می رود. نقش معلم در نظام آموزشی، ایجاد انگیزه و هدایت فراگیران در پرتو اهداف و ساحت های سند تحول بنیادین است. مقاله به شیوه توصیفی انجام شده است و شامل کلیه اسناد و مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. منابع در دسترس مذکور، مورد بررسی و تحلیل واقع شده، و بدین منظور از فرم های فیش برداری برای گردآوری مطالعات مرتبط استفاده شده است.

واژگان کلیدی: نقش تربیتی معلم، سند تحول بنیادین، ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت

۱- مقدمه

از جمله مهم ترین و اساسی ترین جنبه زندگی انسان، تعلیم و تربیت است. موقعیت جغرافیایی خوب و داشتن منابع و معادن گوناگون، صرفاً به عنوان ویژگی های یک جامعه سالم به شمار نمی آیند، بلکه نظامی سالم است که تعلیم و تربیت پویا، بانشاط و مترقی داشته باشد و در چنین نظامی است که تربیت انسان های اخلاق مدار، مستقل، نوآور صورت می گیرد که منجر به تعالی و رشد جامعه می گردد (کشوری محبوب ۱۴۰۲). تربیت انسان و آرزوی دستیابی به آن قدمتی به اندازه عمر انسان دارد و دغدغه بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان است؛ چراکه تربیت، نقش منحصر به فردی در رشد و تعالی هر جامعه ای ایفا می کند (موسوی ندوشن و همکاران، ۱۴۰۰).

از تربیت در لغت نامه دهخدا به معنای پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموزش دادن، پرورش دادن کودک تا زمانی که بالغ شود، یاد شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۵). شهید مطهری تربیت را پرورش دادن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها می داند تا متری از این راه به حد بالای کمال برسد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸). به تعریف میتچل (اگر تنها یک عرصه از عرصه های بشری نیازمند توجه به آینده باشد، آن عرصه، تعلیم و تربیت است). تربیت عبارت است از فرایند آگاه سازی متری و مورد مراقبت قراردادن او به گونه ای که به انجام بعضی رفتارها خو گرفته و انجام برخی رفتارها را ترک کند و لغزش های رفتاری را بشناسد (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۹). دو واژه تعلیم و تربیت را نمی توان به عنوان دو کلمه هم معنی تلقی نمود. این دو واژه از لحاظ وسعت و معنا با هم متفاوت بوده؛ چراکه معنای تربیت بسیار گسترده تر است در حالی که واژه تعلیم از نظر معنا، وسیله ای از ابزار تربیت است. کتاب تعلیم و تربیت اسلامی، هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار می دهد: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب و تعلیم عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای اینکه متعلم دانشی را فراگیرد (شکوهی یکتا، ۱۳۶۳).

باتوجه به اینکه در بزرگسالی، رفتار افراد تحت تأثیر نوع تربیتی است که آموخته اند، از این رو لازم است نظام های تربیتی اهداف مشخص و ارزشمندی را برای برنامه های تربیتی در نظر گیرند، بخصوص که در جوامع امروزی محقق شدن بسیاری از اهداف نظام های تربیتی با

مشکلات فراوانی روبرو است و ضروری است در این راستا تمهیدات جدی در نظر گرفته شود. از طرف دیگر هدف داشتن به عنوان ابتدایی ترین نیاز انسان است که مشخص کننده مسیر زندگی آن است و بامعنا دادن به زندگی، مانع از بیراهه رفتن انسان می شود (صادق زاده قمصری و رمضانی، ۱۳۹۳). آموزش و پرورش اساسی ترین نهاد تربیتی کشور است. ولی متأسفانه این نهاد مهم در کشور آن گونه که باید و شاید پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه نبوده و تربیت نیروی انسانی با مشکلات نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. رهایی از این کاستی ها و ناکارآمدی ها و دستیابی به آموزش و پرورش پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه ای در این نهاد است (خنیفر، ۱۳۸۹).

موضوع تحول در نظام آموزش و پرورش از موضوعات اساسی است که اهمیت فراوانی دارد و این موضوع از دیرباز ذهن مسئولان آموزشی در سطوح مختلف را به خود مشغول داشته، زیرا به دلیل ماهیت پویا و پیوسته نظام آموزشی، تنها از طریق یک فرایند تحولی می توان به تحقق اهداف آموزش و پرورش خوش بین بود (عسگری، ۱۳۹۰). تحول در نظام آموزش و پرورش ضرورتی اجتناب ناپذیر است. تاکنون سیاست ها و راهبردهای مختلفی برای تحول در این نظام به کار رفته شده که چندان موفقیت آمیز نبوده است. از آنجاکه نظام آموزش و پرورش موجود کهنه، وارداتی، تقلیدی و غربی بوده و خروجی آن یعنی دانش آموزان فارغ التحصیل دارای ویژگی های شخصیتی مورد انتظار نمی باشند، تحول زیربنایی در آموزش و پرورش بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و برای رسیدن به اهدافی از جمله ایجاد باور عمیق به اسلام و اندیشه ها و ارزش های والا و در نهایت رسیدن به چشم انداز ۱۴۰۴ طراحی شده است (سپه وند و همکاران، ۱۴۰۲).

۱-۱ بسترهای قابل تحول در آموزش و پرورش را تحت عناوین زیر می توان بیان کرد:

الف) ساختار و تشکیلات درونی آموزش و پرورش

ب) دستگاه ها و سازمان ها و مراکز مؤثر بیرونی

الف) ساختار و تشکیلات درونی

حوزه درونی آموزش و پرورش باید بیشترین تغییرات را در بر بگیرد و اصولاً این بخش، هدف اصلی در ایجاد تغییرات است که خود از دو قسمت اداری و آموزشی تشکیل شده است

۱- بخش اداری ساختار تعلیم و تربیت

بخش ستادی که به تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها و هماهنگی در آموزش می پردازد. هر تصمیمی که در این بخش گرفته شود باید در مدارس و کلاس های درس نمود پیدا کند؛ بنابراین برای تحول اداری باید این باور ایجاد شود که کار ستادی مکمل کار آموزشی است، نه صرفاً انجام امور دستوری و بخشنامه ای و باید اهداف تعیین شده با واقعیت های کلاس درس منطبق باشد. در غیر این صورت برنامه ریزی ها فقط در حد یک تصمیم باقی می ماند و منتهی به نتیجه مطلوب نمی شوند.

۲- بخش آموزشی نظام تعلیم و تربیت

در این بخش آموزش، اصول و مبانی آموزشی، برنامه های درسی، روش های تدریس، ارزش ها، فعالیت های فرهنگی و ورزشی و سایر موارد مرتبط با آموزش و پرورش تعیین می شود. همچنین، شامل ایجاد بسترهای مناسب برای یادگیری، ارزیابی عملکرد دانش آموزان و تدوین سیاست ها و ضوابط مربوط به آموزش است. هدف اصلی بخش آموزش نظام تعلیم و تربیت، ارتقا سطح آموزش و پرورش و تربیت کیفیت بالای دانش آموزان است. برای دستیابی به این هدف، بخش آموزش باید به عنوان یک سازمان فعال عمل کند و دارای مدیریت مؤثر و کارآمد باشد. همچنین، باید توجه ویژه ای به حقوق و مزایای معلمان و کادر آموزشی داشته باشد تا بتواند معلمان ماهر و متعهدی را جذب کند و آنان را در خدمت دانش آموزان قرار دهد (کشوری محبوب، ۱۴۰۲).

یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد تحول در آموزش و پرورش، سند ملی تحول بنیادین است که این سند نقشه راه آموزش و پرورش است و توسط صاحب‌نظران و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است. در این سند، تعلیم و تربیت فرایندی تعالی‌جویانه، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به‌منظور هدایت افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه است و در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم شده است.

با پذیرش نقش تأثیرگذار نهاد آموزش و پرورش، کدام مؤلفه آن در درجه نخست در الویت قرار می‌گیرد؟ در پاسخ می‌توان نقش برخی عناصر از جمله نقش عنصر معلم را برجسته کرد. معلم، از آن جایی که اهداف متعالی آموزش و پرورش توسط او محقق می‌شود، به‌عنوان عامل اصلی تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید. تعادل چهره‌به‌چهره معلم و دانش‌آموز به‌عنوان دو قطب اصلی نظام تربیتی، معلم را در موقعیت منحصربه‌فردی قرار می‌دهد که هیچ یک از عناصر نظام آموزشی از آن برخوردار نیستند (صافی‌خانی، ۱۳۹۴).

یکی از عناصر بی‌بدیل در دستیابی متریبان به حیات طیبه و اجرایی‌شدن سند تحول و رسیدن به اهداف سند، معلم است. در بخش بیانیه ارزش‌ها در سند تحول به نقش معلم (مربی) به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه بصیر و امین و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، اشاره شده است (موسوی ندوشن و همکاران، ۱۴۰۰). هیچ فردی بیشتر از معلم نمی‌تواند بر مدارس تأثیر بگذارد و اوست که می‌تواند تعلیم و تربیت را فرایندی توأم با لذت و کامیابی یا فرایندی بی‌تمرکز کند (مهر محمدی، ۱۳۹۲). در سند تحول به‌دفعات به ضرورت برخورداری از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار از معلمان پرداخته شده است و ضرورت ارزشیابی و بهبود این شایستگی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. شایستگی به معنای مجموعه‌ای دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی است که آموزگار باید به‌منظور عملکرد موفق در حرفه خود و دستیابی به انتظارات مورد نظر از آنها بهره‌مند گردد (چیانگ و ترزیس، ۲۰۲۱).

به‌کارگیری شایسته‌ترین افراد برای معلمی، حیاتی‌ترین مسئله نظام تعلیم و تربیت است و حیاتی‌تر از آن، برنامه‌های تربیت و آموزش معلمان است که باکیفیت بالا باید فراهم آیند. معلمان در حکم مهم‌ترین منبع و مؤلفه در مدارس، در بالابردن استانداردهای آموزشی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (رئوف، ۱۳۷۹). تربیت معلم، فرایند زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت حرفه‌ای معلمان بر اساس نظام معیار اسلامی است (ضمیری و نورآبادی، ۱۴۰۱).

شایستگی عبارت است از فعالیت‌ها، رفتارها و نتایجی که فرد در انجام کاری از خود نشان می‌دهد و به توانایی فرد در قالب دانش، نگرش و مهارت‌ها در انجام نظام‌مند کار به‌صورت یکپارچه تأکید دارد. قائمی و بلندی (۱۳۹۴)، احمدی میلانی و فیاض (۱۳۹۴) کالشرستا و پاندی (۲۰۱۳)، ایلانو و زند (۲۰۱۱)، استینر و هانسل (۲۰۱۱)، همگی در پژوهش‌های خود بر کسب شایستگی‌های معلم و ضرورت آن در ارتقای نظام تعلیم و تربیت تأکید کرده‌اند. نظریه شایستگی‌ها، در سند تحول مورد توجه واقع شده است. شناخت شایستگی‌های حرفه‌ای و تشخیص این شایستگی‌ها (حرفه‌ای، تخصصی و اخلاقی) به‌عنوان شایستگی‌های شناختی در سند تحول تعریف شده است.

از آنجاکه بین تعلیم و تربیت و شایستگی‌های معلم یک ارتباط قوی نهفته است، رشد هر دوی این بخش‌ها متقابلاً کیفیت تدریس را توسعه می‌دهد و خط اصلی شایستگی‌های معلم، کیفیت عملکرد او در هنگام برخورد با یادگیرنده است که به‌طور غیرمستقیم بر کیفیت عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو مراکز تعلیم و تربیت را می‌توان یکی از حساس‌ترین مولفه‌های نظام آموزشی دانست، زیرا موفقیت و عدم موفقیت ایجاد تحول در نظام آموزشی در گرو ایجاد توانمندی‌های حرفه‌ای در معلمان است که مجریان اصلی این امر از برنامه‌ها در محیط واقعی آموزشی است (عباباف و همکاران، ۱۳۹۹). در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران صفات و شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان را شامل دانش تخصصی، اخلاق حرفه‌ای، دانش حرفه‌ای می‌داند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

دانش عمومی، دانش دینی، دانش زبان مادری، دانش فرهنگ سیاسی و دانش زبان بین‌المللی، فهم امور مرتبط با دین، فرهنگ، زبان و سیاست را می‌توان جزء شایستگی‌های عمومی قلمداد کرد. این شایستگی‌ها زمینه لازم برای تحلیل موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری مناسب را فراهم می‌کنند و انجام کار متعهدانه را برای معلم ممکن می‌سازد (موسوی‌پور و احمدی، ۱۳۹۴).

۲- ویژگی های تربیتی معلم در اسناد بالادستی

در اسناد آموزش و پرورش کشور، معلم چه ویژگی هایی دارد؟ مسئولیت اساسی در تربیت نیروی انسانی در آموزش و پرورش بر عهده مراکز تربیت معلم بوده و توانمندی معلم، آئینه تمام نمای ویژگی ها و صلاحیت های است که در اسناد آموزش و پرورش برای آنان در نظر گرفته شده است. این ویژگی ها عبارتند از:

۲-۱ هویتی اسلامی، انقلابی و ایرانی و متعهد به اصل ولایت فقیه

بدون هویت اسلامی نمی توان به سرچشمه کمال وجودی و تقرب الهی دست یافت. از ویژگی های همسو با هویت دینی و ملی، اعتقاد به اصل ولایت فقیه است که در اسناد بعد از انقلاب به خصوص در اساسنامه تربیت معلم (اجلاس ۳۱۱ مورخ ۱۳۶۱/۶/۲) و سند تحول (۱۵ و ۲۰) به عنوان یک ویژگی مهم، در نظر گرفته شده است. معلم پایبند به این اصل، علاوه بر فراهم آوردن پایه های معرفتی و گرایشی در رفتار حرفه ای خود، زمینه ساز تکوین و تعالی هویت دینی متریبان و اقتدار جامعه اسلامی می شود.

۲-۲ اعتقاد به هستی بخش جهان زمینه ساز قرب الهی و حیات طیبه

ایمان به خدا یکی از مهم ترین مفروضه هایی هست که در مبانی نظری اسناد آموزش و پرورش و به خصوص در سند تحول بنیادین (۱۵:۱۳۸۵) و برنامه درسی ملی (۱۳۹۰: ۸ و ۹) به آن اشاره شده و مبنای تمام سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها در نظام تربیت رسمی عمومی، کسب قرب الهی و حیات طیبه است چنانچه در بیانیه ارزش ها آمده است: معلم راهنمای امین و بصیر در فرایند تربیت، اسوه دستیابی متریبان به حیات طیبه و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت های نظام تربیت رسمی و عمومی است (سند تحول بنیادین، ۱۷۰).

۲-۳ صلاحیت علمی و عملی

صلاحیت های معلمی در اسناد بیشتر بر دو بعد علمی و عملی تأکید داشته است. چنانچه در طرح نظام جامع تربیت معلم، در اصل اول و دوم آمده است: انتخاب معلمان بر اساس صلاحیت های علمی صورت می گیرد. علاوه بر آن در سند تحول (۲۶) بر این موضوع این چنین تصریح شده است: پرورش یافتگانی که از دانش های پایه و عمومی، همچنین از شایستگی تفکر، درک و کشف پدیده ها و رویدادها، دانش، بینش و مهارت ها و روحیه مواجه علمی و فناورانه، با مسائل فردی و اجتماعی برخوردارند.

۲-۴ تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی از مبانی اساسی در نظام تعلیم و تربیت است. بعد از انبیا و اولیای الهی، معلمان زمینه ساز مسائل ارزشی هستند تا سلامت فرد و جامعه را تضمین نمایند. به همین دلیل در ماده ۲۸ نظام نامه اساسی دارالمعلمین، ویژگی های جرئت، راستی، امانت داری، عزت نفس برای داوطلبان شغل معلمی در نظر گرفته شده است. در سند تحول (۱۵) وجه کامل جریان تربیت در تمامی ساحت های شش گانه تعریف شده است که تربیت دینی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

۲-۵ توسعه شایستگی های حرفه ای و آموزش ضمن خدمت

از مسائل مهمی که برای رشد و کیفیت کارایی معلمان مورد توجه قرار می گیرد، موضوع آموزش ضمن خدمت است. در اصل دوم طرح نظام جامع (۱۳۸۶) بیان شده است: آموزش معلمان به زمان خاص محدود نمی شود. قبل از ورود به حرفه معلمی آغاز و در طول دوران اشتغال تا پایان دوره خدمت ادامه می یابد؛ بنابراین توسعه شایستگی های حرفه ای در صدر اهداف نظام آموزش و پرورش کشور قرار داشته و برنامه ریزی ها برای به کارگیری امکانات برای جذب و نگهداشت استعداد های برتر و تقویت انگیزه شغلی معلمان صورت گرفته (سند تحول بنیادین ۳۷).

۲-۶ توجه به برنامه درسی و بازنگری آن

تدوین برنامه ریزی در راستای اهداف نظام تربیت رسمی و توجه به برنامه درسی متناسب با نیاز معلمان به عنوان یک هدف کلان در نظر گرفته شده است. برنامه درسی ملی (۴۲) و اصل ۲۲ در سند تحول با ارائه راهکارهایی در همین زمینه، خواستار اصلاح ساختار آموزشی با به کارگیری مشاوران متخصص و توجه به شرایط اقلیمی، اجرای الگوی بالندگی شغلی - حرفه ای را برای منابع انسانی پیشنهاد می دهد.

۲-۷ برخورداری از ویژگی های فردی و اجتماعی

ویژگی های فردی که در اسناد طرح نظام جامع تربیت معلم (اصل سوم)، سند تحول بنیادین (۲۵) و برنامه درسی ملی (۸) بر آن ها تأکید شده است عبارت اند از: سلامت جسمی و روانی، نشاط، توانمندی، علاقه به علم و آگاهی، حقیقت جو، عزت نفس، فکور، خلاق، کارآمد، پرسشگر، آزاداندیش و دور از تعصب، ظلم ستیز، قانون گرا، عدالت خواه، وطن دوست و جهانی اندیشی، وظیفه شناس و نقاد. افزایش مشارکت معلمان در عرصه های دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سطح محلی و ملی برای تقویت و مرجعیت و منزلت فرهنگی معلمان در نظر گرفته شده است.

۲-۸ آموزش آداب و مهارت های زندگی

هدف از این مهارت در شرح سند تحول بنیادین با درک مفاهیم زندگی، بهداشت فردی و اجتماعی، آشنایی با مسائل زیست بوم طبیعی و شهری، مفاهیم فرهنگی و میان فرهنگی برای خلق آثار فرهنگی و هنری در نظر گرفته شده است. از این رو ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد (سند برنامه درسی ملی ۱۳۹۰: ۳۹).

۲-۹ استفاده از شیوه های مناسب در تربیت

در برنامه تربیت معلم، آنچه در اسناد آموزش و پرورش بر آن تأکید شده است استفاده از شیوه های تربیتی مشتمل بر اصول، مبانی و قواعدی است که اصل کرامت در کانون آن قرار دارد. روش هایی چون: محبت، احسان، تنبیه، تشویق، حسن کلام تا از طریق آن ارزش های اخلاقی در وجود معلمان نهادینه شود (صافی، ۱۳۷۱).

۲-۱۰ توجه به خصوصیات و نیازهای بومی و منطقه ای

یکی از دغدغه‌های اساسی آموزش و پرورش تأمین نیروی انسانی، به خصوص تأمین معلم در مناطق دورافتاده و محروم است. به همین دلیل، شورای عالی آموزش و پرورش به این مهم توجه نموده و بیان می‌دارد که در برنامه‌ریزی دوره‌های تربیت معلم و در تدوین شیوه‌های گزینش دانشجویان، باید نیازهای بومی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد (اصول و ضوابط حاکم بر برنامه‌ریزی معلم، ۱۳۷۷: ۳-۱). علاوه بر آن در اصل نهم طرح نظام جامع تربیت (۱۳۸۶: ۳ و ۴) و راهکار ۱۹ در سند تحول به موضوع ویژگی‌های منطقه‌ای، بومی و خصوصیات قومی و مذهبی، زبان و تفاوت‌های شهری و روستایی پرداخته و به کارگیری معلمان را با توجه به شرایط همان منطقه در نظر می‌گیرد (ریاضی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳- نقش تربیتی معلم بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت سبب به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی هست که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان وجود دارند و انسان برای رسیدن به کمال مطلوب خود نیازمند است که این قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها را به فعلیت برساند یا آن‌ها را تقویت و هدایت کند؛ بنابراین تعلیم و تربیت دارای حوزه‌های مختلفی هست که در آن‌ها نیازهای مشترک انسان‌ها وجود دارند. این حوزه‌ها، ساحت‌های تربیتی تعلیم و تربیت هستند. سند تحول بر اساس مبانی وجودی انسان، ساحت‌های مختلفی را برای تربیت وی در نظر گرفته است (محمدپور و همکاران، ۱۴۰۰). در مبانی نظری سند تحول بنیادین شش ساحت تربیت بیان شده‌اند که شامل ساحت‌های تربیتی (اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری، و هنری و زیبایی‌شناختی) می‌شوند. ساحت به حوزه و محدوده‌ای از فعالیت‌های تعلیم و تربیت گفته می‌شود که ناظر به پرورش بخشی از استعدادها، بینش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های مشترک باشد. مشروط به اینکه این حوزه‌ها در عرض یکدیگر باشند، و ثانیاً برای انسان، از آن جهت که انسان است در نظر گرفته شده باشند (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰). در ادامه به شرح هر یک از این ساحت‌ها می‌پردازیم:

۳-۱ ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

باتوجه به اینکه انسان موجودی هدایت‌پذیر است، شناخت مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، مبین حقیقت اوست. در این راستا تعلیم و تربیت نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. در این مسیر از جمله اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، شناخت نیازهای روحی انسان است. قلمرو این ساحت ناظر به خودشناسی و معرف نسبت به خدا، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی است (محمدپور و همکاران، ۱۴۰۰). از اهداف این ساحت می‌توان به تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلامی از طریق تعلیم اصول و معارف اسلام، پرورش روحیه تفکر و تعقل و عبودیت در برابر خداوند و الزام عملی به احکام اسلامی و رشد فضایل اخلاقی اشاره کرد. (توکلی و کهنوجی، ۱۳۹۹)

۳-۲ ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

بخشی از جریان عمومی است که متریبان را قادر می‌سازد تا شهروندانی آگاه و فعال باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. از جمله اهداف این ساحت می‌توان به پرورش روحیه پاسداری و استواری بنیان خانواده بر پایه اخلاق اسلامی، پرورش روحیه قسط و عدل اجتماعی و روحیه تعاون و همبستگی فرهنگی اسلامی را نام برد (توکلی و کهنوجی، ۱۳۹۹). قلمرو این ساحت بر اساس نقش تربیتی معلم شامل موارد زیر است: ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و کسب مهارت‌های ارتباطی (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸). در بخش تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، شامل مواردی چون: تربیت نیروهای انسانی کارآمد،

توانمندسازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، اولویت بندی به تخصیص منابع ورزشی و هنری، طراحی و تدوین برنامه های آموزشی متناسب با نیازها می شود (نوری و لعلی، ۱۴۰۲).

۳-۳ ساحت تربیت علمی و فناوری

این ساحت ناظر به کسب شایستگی ها و مهارت هایی هست که متریبان را در شناخت و بهره گیری از نتایج تجارب بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند باتوجه به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزشمند کسب کنند (سند تحول بنیادین) از جنبه تعلیم و تربیت و کاربست این ساحت می توان به استفاده هوشمند از فناوری های نوین، تجهیز کلاس ها و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضات برنامه درسی مدارس، طراحی و ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه، کتابخانه، آزمایشگاه و فضای ورزشی اشاره کرد (نوری و لعلی، ۱۴۰۲).

۳-۴ ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای

این ساحت ناظر به رشد توانایی های متریبان نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، مهارت های حرفه ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار است (سند تحول)؛ بنابراین معلم برای اجرای نقش درست در این ساحت تلاش می کند دانش آموزان را در جهت آشنایی و کسب مهارت های لازم در زمینه حرفه و فنون پرورش دهد. برخی اقدامات مورد نیاز در این زمینه بازدید از موزه ها، نمایشگاه های علم و فناوری و کسب و کار، غنی سازی منابع اطلاعاتی از قبیل کتابخانه و آزمایشگاه، اردوهای یک روزه از محیط های یادگیری مانند: پژوهش سراها، کتابخانه های عمومی، خانه های فرهنگ، ورزشگاه ها، مشاغل مختلف، کارگاه ها و...

۳-۵ ساحت تربیت زیستی و بدنی

این ساحت ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (سند تحول، ۳۰۵). در اسلام، جسم انسان دارای ارزش والایی است و ابزار تکامل روح به شمار می رود. نداشتن سلامت جسمی باعث ناتوانی در کسب فضائل روحانی خواهد شد و اضطراب های روحی، جسم را خسته و ناکارآمد می کند؛ بنابراین در نظام تعلیم و تربیت توجه به ساحت زیستی و بدنی، امری ضروری به شمار می رود. قلمرو این ساحت شامل: تربیت جسمی، سلامت فردی و اجتماعی و بهداشت زیست محیطی (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸) تلاش برای حفظ و ارتقای بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران و احترام به طبیعت است (محمدی پویا و همکاران، ۱۳۹۴).

۳-۶ ساحت زیبایی شناختی و هنری

این ساحت ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی متریبان و توان درک موضوعات دارای زیبایی مادی یا معنوی، توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش های هنری (سند تحول) است. از این ساحت در حوزه تعلیم و تربیت انتظار می رود که متعلم را نسبت به زیبایی های عالم هستی و اسرار هنری خلقت آشنایی بخشد و استعداد های ظاهری و باطنی را به منصفه ظهور گذارد و وظیفه نظام تعلیم و تربیت در این ساحت، پرورش حواس و قدرت تخیل و دریافت تجلیات قدرت الهی در طبیعت و رمزگشایی از

پدیده‌های آشکار و پنهان هستی است. نمونه‌ای از اقدامات معلمان شامل: طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش، ترویج فرهنگ حجاب و عفاف، ارائه خدمات مشاوره‌ای، کمک به شکوفایی استعداد‌های پنهان است.

۴- جایگاه تربیتی معلم در نظریه‌های علمی

تحقق اهداف تربیت، در گرو رفتار و منش معلم است. در نظام تعلیم و تربیت متداول در سرزمین‌های اسلامی، بر منزه بودن معلم و منصف بودن او به صفات اخلاقی تأکید فراوان شده است و نظریه‌پردازان مسلمان اهمیت این موضوع را متذکر شده‌اند. برای مثال برهان‌الدین زرنوجی، از متفکران مسلمان قرن ششم هجری قمری، در یکی از آثار خود به نام (تعلیم‌المتعلم) در مورد اخلاق و ویژگی‌های معلم می‌نویسد: معلم باید دارای آراستگی باطن، عزت‌نفس و دوری از اخلاق و رفتار ناپسند باشد (شهیدی، ۱۳۶۸). سایر نظریه‌پردازان مسلمان در ادوار گذشته، متصف بودن معلم به صفات اخلاقی نیکو را از اصلی‌ترین ویژگی‌ها و صلاحیت‌های معلمی برشمردند؛ زیرا معلمی که شاگردان خود را از انجام دادن کارهای ناپسند باز می‌دارد و به کسب خلق‌های مطلوب تشویق می‌کند، باید خود عامل به رفتار پسندیده و شایسته باشد تا علاوه بر سخنانش، اعمالش نیز ناظر و مؤثر واقع شود.

نظریه‌پردازان بزرگی چون پیاز، اریکسون، فروید، کارل راجرز، آبراهام مازلو، رابرت سیرز، بی. اف. اسکینر، نقش معلم و مربی را در جریان یادگیری مورد نظر قرار داده‌اند و درباره آن به تحلیل و مطالعه پرداخته‌اند. به همین دلیل در اینجا به نقش تربیتی معلم از دیدگاه‌های فوق می‌پردازیم.

۴-۱ دیدگاه رشد - شناختی (پیاز و پیروانش)

پیاز نقش تربیت کردن را نوعی فراهم آوردن زمینه‌های مساعد به منظور سازش فرد با محیط پیرامونش می‌داند و درباره نقش تربیتی معلم می‌گوید: قادر ساختن کودکان به اینکه فرصت‌های فراوانی را برای جستجو و کاوش پیدا کنند و از اثرات خود بر محیط و اشیای پیرامون آگاهی یابند. در چنین محیطی، معلم کودکان را با اعمال جستجوگرانه و کاوشگرانه روبه‌رو می‌کند و روحیه پژوهشگری را مورد تشویق قرار می‌دهد. در اینجا معلم، از زمان بهره می‌گیرد و کودکان را در جریان یادگیری آزاد قرار می‌دهد و به همین جهت معلم همراه با کودک کار می‌کند، سؤال می‌کند، پیشنهاد می‌کند و در فراهم آوردن تجارب یادگیری مناسب و طراحی سؤالات برانگیزاننده نقش تعیین‌کننده دارد. نکته مهم در ایفای نقش تربیتی معلم، مجاز دانستن کودک در تصمیم‌گیری‌هاست. به‌طور کلی فرمول اصلی در این دیدگاه این است که معلم متفکر، ذهن متفکر و دانش‌آموزان متفکر می‌سازد.

۴-۲ دیدگاه رفتارگرایان

رویکرد رفتارگرایان نقش تربیتی معلم را ایجاد تغییر در رفتار کودکان در کلاس می‌داند. معلمان در همه جای دنیا به‌ویژه در نقش تربیتی خود به‌عنوان تغییردهندگان رفتار، از روش‌های مختلف اصلاح رفتار و متوقف کردن رفتارهای ناخواسته و مزاحم چون بدخلقی‌ها، خشونت و دیگر رفتارهای نامطلوب و افزایش دادن رفتارهای مثبت مانند اشتراک‌مسابی و همکاری با دانش‌آموزان، بسیار استفاده می‌برند. رابرت سیرز به نقش الگودهی معلم در جریان تربیت تأکید کرده است و معتقد است کودکان در روند همانندسازی با فرد بزرگ‌تر و معلم هستند که در این جهت رفتارهای اجتماعی مناسبی کسب می‌کنند (شکوهی، ۱۳۶۶).

۴-۳ دیدگاه روان تحلیل‌گران

از نظر روان تحلیل گرانی چون اریکسون، فروید، راجرز و مازلو، نقش فرد بزرگ تر و معلم، نقش راهنما است. ولی در این دیدگاه تأکید بیشتر بر رشد عاطفی و شخصیت دانش آموزان است تا جنبه های شناختی. در اینجا معلم نقش حمایتی و عاطفی دارد. اوست که تفسیرکننده احساسات، انگیزه ها و اعمال کودک است و او را در حل مسئله یاری می دهد. فروید هنر تربیت معلم را در گذر کودک در مراحل رشد، و در یاد دادن چگونگی برخورد اصولی با مسائلی می داند که در هر مرحله با آن مواجه می شود؛ زیرا معلم است که راه های مثبت را برای حل دشواری ها به دانش آموزان می آموزد. اریک اریکسون نقش تربیتی معلم را در هدایت کودک برای گذر از هشت مرحله نظریه خود می داند. نقش معلم از دیدگاه او در شکل دهی تصویری مثبت از خود کودک و از طریق ادراک فعالیت ها و بازی های مناسب در محیط تربیتی بسیار بارز است (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

مازلو و راجرز اگرچه دارای نظریه های مرحله ای نیستند؛ ولی هر دو در روند دستیابی کودک به خودپنداری مثبت تأکید دارند و نقش تربیتی معلم را هدایت کودک به سمت کمال از طریق مهرورزی، حمایت و کنش و واکنش های مناسب در محیط تربیتی و مدرسه مورد تأکید قرار می دهند (الماسی، ۱۳۷۸).

۴-۴ دیدگاه رشدگرایان (رشد گرایان)

آرنولد گزل، معلم را به عنوان راهنمایی می داند که کودک را در مراحل و دوره های مختلف رشد مورد حمایت قرار می دهد. در اینجا معلم فردی است که شکیبایی، ادراک و فهم و آرامش لازم را در برخورد با مسائل دارد و رشد کودک را در سطح شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی مورد ارزیابی قرار می دهد تا او را برای کسب تجارب در سطح رشدی خود آماده کند. در اینجا معلم باید تلاش داشته باشد که محیط تربیتی از آزادی متعادل برخوردار باشد و محدودیت ها در حدی باشد که امکان رشد به حد مطلوب را میسر سازند (مفیدی، ۱۳۷۳).

نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی نقش تربیتی معلم در اسناد بالادستی و نظریه های تربیتی پرداخته شد. نتایج بررسی ها بیانگر این است که پیشرفت و بالندگی هر جامعه بیانگر آموزش و پرورش آن جامعه است؛ بنابراین آموزش و پرورش به عنوان رکن اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه به شمار می رود و قدرتمندترین ابزار شکل دهی آینده و وسیله ای برای تداوم تاریخ و فرهنگ قلمداد می شود. تحول در نظام آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که بیشتر جوامع آن را مدنظر قرار می دهند و از آنجاکه زیر ساخت هر نوع توسعه ای در کشورها را می توان در نظام تعلیم و تربیت آن جستجو کرد. پس ایجاد تحول در این بخش از ضرورت های مهم و اساسی به شمار می رود. تلاش های بسیاری از طرف مسئولین جهت اصلاح و بهبود نظام تعلیم و تربیت انجام گرفته است و تنها راه برون رفت از این چالش ها، تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش و تدوین الگوی اسلامی ایرانی برای تحول، و پرهیز از الگوهای تقلیدی و وارداتی است. سند تحول به عنوان نقشه راه آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت و بر اساس آموزه های دینی، قرآنی و اسلامی تهیه شده است. در بررسی و نگاه به درون نظام آموزشی می توان نقش معلم را ممتاز کرد. معلم و دانش آموز به عنوان دو قطب محوری آموزش و پرورش مطرح می شوند و نقش معلم ایجاد انگیزه و هدایت فراگیران به یادگیری در پرتو اهداف و ساحت های سند تحول بنیادین است؛ بنابراین می توان دریافت که کیفیت معلمان در نظام آموزشی، آینه تمام نمای کیفیت

تعلیم و تربیت است؛ بنابراین سزاوار است مسئولان آموزش و پرورش در گزینش و استخدام معلمان، با وسواسی خاصی اقدام کنند و در نهایت معلمانی انتخاب کنند که واجد ویژگی های علمی، اخلاقی، شخصیتی و... باشند؛ تا بتوانند در تربیت نسل آینده موفق گردند.

منابع و مراجع

احمدی میلانی، حسن؛ فیاض، ایراندخت، (۱۳۹۴). «کسب صلاحیت های معلمی در ایران و آلمان و ژاپن». نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی

خنیفر، حسین . (۱۳۸۹)، «مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش»، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

داودی، محمد؛ کارآمد، حسین. (۱۴۰۰)، «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی». انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم.

ریاضی، میرزامحمدی، محمدحسن، ایمانی. (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی ویژگی های معلم در اسناد آموزش و پرورش کشور و نقد آن با استفاده از دیدگاه شهید ثانی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۳(۲۷)، ۷۷-۹۵

رئوف، علی. (۱۳۷۹)، «جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم». تهران پژوهشکده تعلیم و تربیت.

سپه وند، عالیخانی، بهاری، بهزادی چگنی، مینایی، حجت. (۲۰۲۳). «چگونه توانستم با آموزش مبتنی بر ساحت های سند تحول بنیادین میزان رضایت شغلی معلمان را افزایش دهم؟ یک مطالعه اقدام پژوهی با پیگیری دوماهه». مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۸(۵۶)، ۳۹۷-۴۰۶.

شکوهی یکتا، محسن . (۱۳۶۳)، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)، وزارت آموزش و پرورش، تهران.

شکوهی، یکتا. (۱۳۶۶)، «تعلیم و تربیت اسلامی»؛ تهران: انتشارات: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

شهیدی، سید جعفر. (۱۳۶۸)، نهج البلاغه: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

صادق زاده قمصری، علیرضا؛ رضانی، معصومه . (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم، بهار و تابستان.

صافی، احمد. (۱۳۷۱)، «سیمای معلم»، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

صفی خانی، یحیی. (۱۳۹۴)، نگاهی بر نقش حرفه ای معلم در نظام آموزشی.

ضمیری، حامد، نورآبادی. (۱۴۰۱). «ارزیابی میزان تحقق شایستگی های حرفه ای معلمان بر اساس سند برنامه درسی ملی تربیت معلم». مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۸(۵۶)، ۲۶-۴۲.

عباباف، زهره؛ فراستخواه، مقصود؛ قدوسی، فائزه. (۱۳۹۹)، شایستگی های معلمی از نگاه کنشگران عرصه تربیت.

عسگری، ا. (۱۳۹۰)، ضرورت ها و چالش های پیش روی تحول بنیادین در آموزش و پرورش؛ مقاله تحقیق در وبلاگ پژوهش نامه.

فتحی، سعیدی پور، ابراهیمی قوام، دلاور. (۱۳۹۷). «موفقیت برنامه های درسی دانشگاه فرهنگیان در ایجاد شایستگی های حرفه ای معلمی». مطالعات برنامه درسی، ۱۳(۵۰)، ۱۴۳-۱۷۰

قائمی، مهدی؛ بلندی، فرشته، (۱۳۹۴). «بررسی برنامه درسی دانشگاه ها بر صلاحیت شغل معلمی شهرستان تربت حیدریه سال تحصیلی». دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار

کشانی، مهدیه. (۱۳۹۸). «ویژگی های معلمان و مربیان در راستای پرورش فلسفه ورزی در کودکان از منظر قرآن» فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، صص ۱۰۴-۷۹

کشوری محبوب، فاطمه. (۱۴۰۲) «بررسی بهره وری و ارتقا در آموزش و پرورش همگام با نظام های شش گانه سند تحول بنیادین»، مجله پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش سال ششم، شماره ۶۲

- الماسی، محمد. (۱۳۷۸)، «تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در اسلام و ایران»، تهران، انتشارات: رشد.
- محمد، محمد. (۱۳۷۸)، تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در اسلام و ایران.
- محمدپور، ملک افضلی، همت‌بناری. (۱۴۰۰). «تحلیل مبانی فقهی ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». پژوهش‌های اخلاقی، ۴۹(۱۳)، ۱۸۹-۲۰۶
- محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر؛ مومی‌وند، فاطمه. (۱۳۹۴)، «تحلیل محتوای نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی» سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- مشهدی، زابلی زواره. (۲۰۲۱). «امکان‌سنجی تشکیل وزارت محیط‌زیست در نظام حقوقی ایران. علوم و تکنولوژی محیط زیست»، ۲۳(۳)، ۲۱۰-۱۹۵
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۲)، «مدیریت مراکز پیش‌دبستانی» تهران؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- منظری توکلی، کهنوجی. (۱۳۹۹) «تبیین اهداف تربیتی بیانیه گام دوم انقلاب». فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۳)، ۱۰۱-۱۲۱
- موسوی ندوشن فاطمه السادات، نیلی محمدرضا و نیستانی محمدرضا. (۲۰۲۳). «کاوش پدیدارشناختی بر شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی»
- موسی‌پور، نعمت‌الله؛ احمدی، آمنه. (۱۳۹۴)، «طراحی کلان معماری برنامه درسی تربیت‌معلم»، برنامه درسی ملی تربیت‌معلم جمهوری اسلامی ایران. دانشگاه فرهنگیان.
- مهر محمدی، محمود. (۱۳۹۲)، «بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌معلم». تهران: انتشارات مدرسه.
- نوری، منیره، لعلی. (۱۴۰۲). «بررسی نقش و جایگاه معلمان در بهبود و اجرای طرح ساحت‌های شش‌گانه در سند تحول بنیادین». پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۶۱(۶)، ۲۹۷-۳۱۰
- یزدانی، محمدی پویا، فرامرز و بیجنوند. (۲۰۱۹). «احصاء مصادیق ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در قرآن کریم». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۹(۱۹)، ۶۵-۸۹.

Chiang, Tiem Hui; Trezise, Damien. (2021). How teacher competence functions as an institutionalised discourse in the epoch of globalization. Cambridge Journal of Education.51: 105-125.

Ilanlou, M. Zand, M. (2011). Professional competencies of teachers and qualitative evaluation. Social and behavioral sciences, 29, 1143- 1150

Kul Shrestha, A. K. Pandey, K. (2013). Teachers training and professional competencies. Voice of research, 1 (4). 29-33

Steiner, L. Hassel, E. A. (2011). Using Competencies to Improve School Turn around Principal Success. Public Impact